

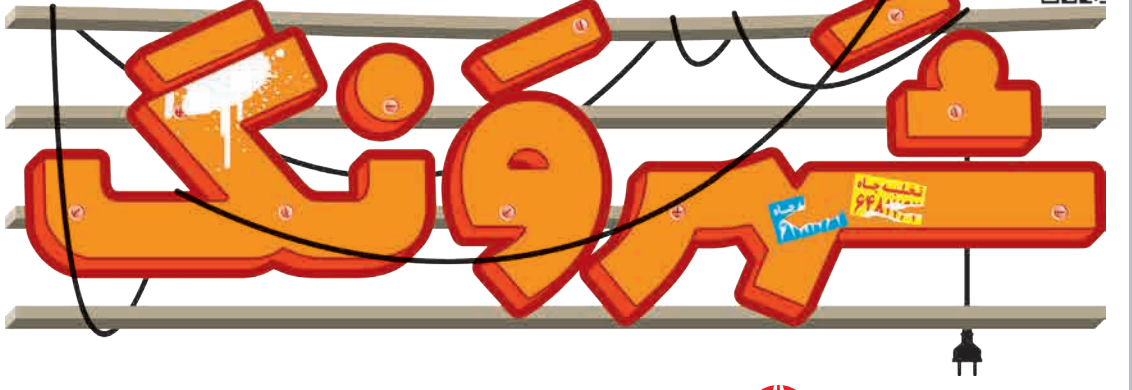
**تماشاخانه**

مهدی عزیزی | کارتون‌نویس | mehdi.azizart@hotmail.com



پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ  
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟  
توی دنیای پراز اندوه و جنگ  
خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»

شماره هشتاد و هشتم و پنجم



رئیس جمهوری فیلیپین: مردم می توانند به مسئولان فاسد شلیک کنند

**آزادراه**

۱۰ فرمان برای اندک ترماها!



شهاب نبوی  
طنزنویس

نتایج نهایی کنکور هم اعلام شد و از امروز کلی دکتر و مهندس جدید بهمان اضافه می شود. لازم است یک سری نکات را جهت تنویر افکار اندک ترماهای عزیز، خدمتشان عرض کنیم؛ باشد که کمتر با حرکات شان لچ در بیاورند و روی اعصاب بقیه بروند.

**یک:** در دانشگاه چیزی به نام خانم یا آقا نداریم. اگر دوست دارید تا پایان ترم بهمان نختند، استاد را خانم یا آقا صدا نکنید. همچنین چیزی تحت عنوان زنگ تفریح هم نداریم. باور کنید لازم نیست برای ترک کلاس دستتان را مثل کسک داور بالا ببرید و منتظر باشید استاد بگوید: چیه؟ و بعد بگویید آقا اجازه و کلاس را ترک کنید.

**دو:** آینده نگر باشید. در هفته اول دانشگاه عاشق نشوید. شاخ های دانشگاه معمولاً هفته اول را می چسباند به تابستان و دانشگاه نمی آیند. قبل از تصمیم برای عاشق شدن، خوب فکر های تان را بکنید. اولین کسی که عاشقش می شوید، می شود همان کسی که تا سال آخر اگر بخواهند صدای تان کنند، با اسم او صدای تان می کنند.

**سه:** اگر استاد میلی به حضور و غیاب نداشت، خودتان را در مسیر یاد قرار ندهید و هی بگویید: «استاد، حضور و غیاب نمی کنید؟» باور کنید تا به حال هیچ استادی وقت نمره دادن با خودش نگفته: «اه، این همونه که خیلی به حضور و غیاب علاقه داشت. بذار قبولش کنم».

**چهار:** اگر به پی وی یکی از همکلاسی های دخترتان رفتید و به هوای جزوه به او ابراز علاقه کردید، بدانید شما به پی وی یک نفر نرفته اید و اسکرین شات چت تان هم اکنون دارد در گروه دخترانه دانشگاه دست به دست می چرخد. بهتر است برای ابراز علاقه، راهی را انتخاب کنید که در آن هیچ اثری از خودتان باقی نگذارد.

**پنج:** همیشه یک نفر در جلسه اول می خواهد ادای زنگ ها را در بیاورد سعی کنید آن زنگ شما نباشد.

**شش:** دانشجو، اصولاً نیازی به مداد رنگی ۲۴ رنگ و مداد شمعی و جامدادی صورتی ندارد. یک خودکار و یک سررسید کهنه از خانه بردارید و بساط مسخره شدن خودتان را برپا کنید.

**هفت:** توانایی زیربرگه نویسی، از درس خواندن مهمتر است. مهم نیست کدام یک از اهل خانواده را راهی قبرستان می کنید تا به بهانه اش نمره بیاورید. مهم این است که پیاز دانش به اندازه کافی باشد تا دل سنگ استاد را به رحم بیاورد.

**هشت:** گاهی یک استالاد گفتن، کار سیصد صفحه درس خواندن را می کند؛ یاد بگیرد، کسی و چگونه این واژه را به کار ببرد.

**نه:** شما در دانشگاه، آزاد هستید به هر چیزی اعتراض کنید اما سعی کنید فقط به غذای سلف، رنگ جدول های محوطه دانشگاه، کمبود مایک سر کلاس و اینچور چیزها اعتراض کنید؛ از ما گفتن بود.

**ده:** انتظامات دانشگاه را دوست داشته باشید. اگر روز اول به شما گیر دادند که معمولاً می دهند، شاخ بازی در نیاورید؛ چون تا روز آخر، حتی روزهایی که پیژامه پدرتان را هم پوشیده اید به شما گیر می دهند و شما هم تنها کاری که از دستتان برمی آید این است که از راه دور برای شان دعا کنید.

# اختلاس گر: اگه قبلش نرفته بودیم کانادا شلیک کنند!

- ◀ یک مسئول: فقط فکر بعدشم باشید که مملکت بدون مسئول می مونه!
- ◀ خاوری: یک دو سه بگید، اگه نتونست فرار کنه، بعدبیز نیدا!
- ◀ یک مدیر فیلیپینی: ما اصلاً در فیلیپین مسئول نداریم!
- ◀ علی مطهری: ما فقط چند نفر غیر مسئول آن هم در دادگاه داریم!
- ◀ شهر دار اسبق تهران: منم خواستم پیشگیری از وقوع جرم بکنم!

**عروسک و عروس**

**عزیزم! دخترم! با با فدایت!** **شده ده ساله، چشمم زیر پایت!**  
**عروسک خواستی، پیدا نکردم** **به جایش شوهر آوردم برایت!**  
ارمغان زمان فشمی #شهر ونگ



**شهر نگار**

**فولون؛ رویا پردازی های شاعرانه**



یحیی تدین | ژان میشل فولون (Jean\_Michel Folon, ۱۹۳۴-۲۰۰۵)، هنرمند بلژیکی، فارغ التحصیل رشته معماری دانشگاه بروکسل؛ خیلی زود از رشته تحصیلی خود فاصله گرفت و از ساختمان سازی به سوی طراحی تغییر مسیر داد اما این پیشینه تحصیلی کمک بزرگی بود تا عناصر پرسپکتیو و حجم را با استادی تمام در کارهایش به نمایش بگذارد. طراحی برای فولون مجموعه ای از هنرهای تزئینی از جمله تصویرسازی، کارتون، نقاشی، مجسمه سازی، کولاژ، تهیه جلد کتاب، طراحی صحنه و هنرهای مرتبط با آنها را شامل می شود. فولون به تأثیر از شیوه طراحی استاین برگ و آندره فرانسو به مرور سبک خاص خود را بنیان گذاشت تا جایی که هر بیننده پس از آشنایی اندکی با کارهای او می تواند تفاوت های آنها را با آثار بقیه هنرمندان تشخیص دهد. در اغلب آثار فولون، نوعی رویا پردازی به چشم می خورد که جلوه های شاعرانه دارد. کاراکترهای مورد علاقه وی پرنده، ماهی و مرد با کلاه است که همراه با رنگ مورد علاقه اش زرد آجری در جای جای آثارش به چشم می خورد. احساس فولون نسبت به زندگی را می توانید در چند نمونه از انتخاب های تصویر کشیدن: مهربانی برای مردها، وفاداری برای زن ها، شناختن میان موسیقی باخ، سبب زمینی میان غذاها، تنفر از حسادت و آرزوی فهم زندگی.



ژان میشل فولون

**خار مغیلان**

**شبانه خوب نیست، فقط روزانه**



آیدین سیار سریع  
طنزنویس

شبها می رفتن پول جابه جا کنن. عمراً! یا یه سری از خانمها گفتن شوهرهای ما رو با زیست شبانه میخواین از ما بگیرین. جل الخالق! یعنی الان شوهره چون زیست شبانه قانونی نیست موندن؟ فکر کن بعد از تصویب زیست شبانه شوهره یهوه ساعت دوازده شب بلند میشه. خانم میگه کجا میری؟ یه لبخند شیطانی می زنه و میگه میرم زیست شبانه! خانم میگه میشه بیشتر توضیح بدی؟ شوهره میگه «بله! فی الواقع می خواهم بروم تو فلافل بنشینم و بهت خیانت کنم. حالا این که چه جور می امکانش وجود داره دقیقاً نمی دونم.»

یا در اعتراضی دیگر خانمی پلاکاردی در دست گرفته بود که روش نوشته شده بود «آیا فرزندان و همسران شبها باید پیش خانواده باشند یا در خیابان؟» من موندم این خانواده ها چرا اینجوری ان که شوهره رو ول کنی می پره میره الواتی. آیا اینها شبها شوهر رو می بدن به تخت؟ کف خونه رو لیز می کنن؟ کلید رو قایم می کنن؟ خب خیلی بده زندگی مشترک آدم به تصمیمات شورای شهر بستگی داشته باشه! جالب اینجاست که خودشون رو ملزم می دونن به تصمیمات شورای شهر عمل کنن. یعنی شورای شهر گفت زیست شبانه اوکی! شوهره حتماً باید شب بره بیرون.

یک شوخی بی مزه هم به ذهنم رسیده که چون هر چی فکر می کنم دلیلی برای مخالفت با طرح زیست شبانه پیدا نمی کنم میگم! شما

یک مدتی این قضیه زیست شبانه به محاق فراموشی سپرده شده بود و کسی در موردش چیزی نمی گفت و خود مسئولان هم داشتند تلاش می کردند با همان شیوه همیشگی «یه مدت چیزی در موردش نگو قضیه فراموش می شه» ماجرا رو زیر سیلی رد می کردند که دوباره عده ای از دوستان که اول مخالفت می کنن، بعدش می پرسن حالا قضیه چی بوده، اومدن و پرونده رو از زیر خاک کشیدن بیرون و گیر دادن زیست شبانه معنی نداره و فکر نکنید ما یادمون رفت!

یکی از دلایل این عزیزان اینه که زیست شبانه فساد میاره. به استدلال آنها احتمالاً حضور خورشید یکی از دلایل بازدارنده فساد. به این ترتیب که طرف میاد فساد کنه نگاه می کنه به بالا، می بینه خورشید لبش رو می گزه و میگه «آو! جلو چشم من؟ نکن. زشته!» و طرف رها می کنه و میره سالم زندگی می کنه.

[که در صورت اثبات نظریه خورشید پشتش به ماست این فرضیه رد میشه] حالا سوال اینجاست این همه فاسدی که در سطح جامعه فعالیت می کنن شب هنگام کارشون رو انجام میدن یا روز؟ اتفاقاً همه شون کارها رو تو روز انجام می دادن.

شبها می اومدن با خانواده شامی می خوردن و می خوابیدن. شما یه درصد فکر کن خاوری و زنجانی



**شهر ونگ**

